

## کانون‌های تغذیه فکری امیر کبیر

دکتر محمدتقی امامی‌خویی<sup>۱</sup>

### چکیده

با آغاز تحولات و دگرگونی‌های صنعتی، اقتصادی و فکری دنیای غرب و نفوذ آن به دنیای شرق، کشورهای روسیه و عثمانی به علت همجواری با دنیای غرب، نفوذ اندیشه‌های فکری دنیای غرب در این کشورها زودتر از سایر کانون‌های شرق آغاز گردید. لذا روشن‌فکران و دولت‌مردان بیش‌تر کشورهای شرق الگوهای این کشورها را مورد استفاده خود قرار دادند. شهرهای آذربایجان و گیلان نیز به علت قرار گرفتن در مسیر ارتباطات تجاری و داشتن ارتباط فکری با روسیه و عثمانی زودتر از سایر شهرها در جریان تحولات دنیای غرب قرار گرفت. امیرکبیر یکی از دولت‌مردان بزرگ ایران نیز با استفاده از جریان‌های فکری این سه کانون، توانست اندیشه‌های فکری خود را متحول سازد.

**واژه‌های کلیدی:** امیرکبیر، کانون‌های تأثیرگذار، تبریز، روسیه، عثمانی، اندیشه‌های فکری امیرکبیر.

---

۱. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرری.

### فراهم شدن زمینه‌های دگرگونی در ایران معاصر

با تثبیت حکومت‌های اروپایی و آغاز پیشرفت‌های علمی و صنعتی و شکل‌گیری اصلاحات دینی و به وجود آمدن قشر متوسط و بالا رفتن آگاهی مردم، تحولات عظیمی از اوایل قرن شانزدهم در اروپا صورت گرفت (اقبال آشتیانی، ۱۳۵۵: ۶۵). پس از عملی شدن انقلاب صنعتی در انگلیس، استقلال امریکا، انقلاب کبیر فرانسه، ظهور اندیشه‌های جدید نویسندگان بزرگی نظیر روسو، ولتر، مونتسکیو، و مطرح شدن آزادی و مساوات، تحولات فکری اروپا قدرت گرفت و به تدریج به ممالک مشرق زمین نیز نفوذ خود را آغاز نمود.

عثمانی و روسیه به علت موقعیت جغرافیایی و ارتباط نزدیکشان با جهان غرب دگرگونی‌های دنیای غرب در این کشورها زودتر از سایر کشورهای شرق آغاز گردید. با توجه به شرایط خاص روسیه و هماهنگ شدنش با دنیای غرب به خاطر مقاصد سیاسی و اقتصادی، همانند سایر سلطه‌گران، تجاوزات خود را به شرق آغاز نمود. ایران و عثمانی جزو اهداف اولیه تجاوز روسیه قرار گرفت (همان جا).

افزایش تجاوزات روسیه و غرب به ایران و عثمانی و از دست رفتن تدریجی قلمروهای این دو کشور، آن‌ها را مجبور نمود که دشمنی دیرینه خود را کنار گذارند و برای حفظ موجودیت خودشان در مقابل دشمنان مشترک به هم نزدیک شوند، و برای بقای خود مجبور به قبول بعضی از اصلاحات و نوآوری‌های غرب گردیدند. مشکلات قبول این نوآوری‌ها در هر دو جامعه کاملاً شبیه هم بود؛ لذا، در هر دو جامعه، انجام گرفتن این اصلاحات، به قیمت جان صدها اصلاح طلب تمام شد.

عثمانی که مرکز خلافت اسلامی به شمار می‌رفت، همسایه مستقیم دنیای غرب بود. از این رو، آثار تحولات مدنی و سیاسی اروپا در جریان نفوذش به شرق، ابتدا در عثمانی و ایالت‌های تابعش، نظیر مصر، ظاهر گردید. افراد مخالف تجدد که از اقشار مختلف جامعه بودند، اصلاح‌طلبان را به کفر متهم می‌کردند. به همین سبب، اصلاحات در ابتدای کار خود قربانی‌های بسیار گرفت. پس از نابودی ارتش سنتی عثمانی، به نام

ینی چری، به دست سلطان محمود دوم، و از بین رفتن حامی سنت پرستان، اصلاحات اساسی در عثمانی آغاز شد و به وسیله روشن‌فکرانی با عنوان تنظیمات‌چیان، دنبال گردید. آنان با تدوین قانون تساوی حقوق انسان‌ها، بدون توجه به دین و اعتقادات، در راه اصلاح ارتش، ایجاد مراکز جدید آموزشی و آزادی تجارت، قدم‌های مؤثری برداشتند، و زمینه را برای برقراری مشروطیت اول عثمانی در سال ۱۸۷۶م، که اولین مشروطیت دنیای اسلام نیز محسوب می‌شد، فراهم آوردند. هر چند که عمر این مشروطیت بیش از یک سال نبود، فضای باز ایجاد شده در طی عمر کوتاه این مشروطیت، هرگز از خاطر مردم محو نگردید (تقی‌زاده، ۱۳۳۶: ۱۸-۱۷).

روسیه نیز پس از آشنایی با تمدن غرب، با انجام دادن اصلاحات ارضی و لغو برده‌داری، اقتصاد صنعتی خود را گسترش داد، و به علت داشتن شرایط مناسب، با گسترش قلمروهای خود و تشکیل امپراتوری بزرگی، عقب‌ماندگی چند قرنی خود را نسبت به دنیای غرب تا حدودی جبران نمود، و برای دسترسی به بازارهای جهانی، در کنار سایر سلطه‌گران غرب، به منظور تأمین هدف‌های اقتصادی‌اش، تجاوزات خود را آغاز نمود؛ و چون تأمین اهداف اقتصادی روسیه از طریق ایران و عثمانی عملی می‌شد، لذا، فشار روسیه روز به روز به این دو کشور افزایش می‌یافت (مؤمنی، ۲۵۳۷: ۳۱-۳۰).

ضعف و عقب‌ماندگی دنیای شرق، کندی و مخالفت با نفوذ اندیشه‌های اصلاحی مغرب زمین در دنیای شرق، از جمله در ایران، زمینه را برای حاکمیت غرب بر سرنوشت دنیای شرق، هموار نمود. روابط ایران با دول اروپایی نیز، قبل از حکومت فتحعلی‌شاه، هیچ‌گونه تأثیر مدنی قابل توجهی در بر نداشت. قدرت‌گیری دول غربی از قرن شانزدهم به بعد، همچنین، آمدن سیاحان و مبلغان مذهبی، صرفاً، در راستای تأمین مقاصد سیاسی و اقتصادی بود. وجود روابط ناچیز دولت‌های اروپایی با دربار صفویان نیز، بعد از سقوط این سلسله، به کلی قطع شد، و در پی آن، یک دوران بی‌خبری بر جامعه ایران حاکم گردید (تقی‌زاده، همان: ۲۲ و ۲۶). از قرن نوزدهم به بعد، با افزایش تجاوزات روس‌ها به ولایات شمال دریای خزر، قفقاز، داغستان، گرجستان و ترکستان،

و تصرف خان نشین‌های بخارا، خیوه، مرو و خوقند در شرق خزر، و بسته شدن قراردادهای ننگین گلستان و ترکمن چای، و نیز شکست ایران از انگلیس و از دست رفتن هرات، واگذاری امتیازات اقتصادی بی‌شمار به دولتین روس و انگلیس، موجب تضعیف شدید روحیه ملت و بیداری و تکان دولت مردان میهن پرست ایرانی گردید. (مؤمنی، همان: ۳۳-۳۲). لذا، ذهن عباس میرزا ولیعهد و صدر اعظم فرزانه‌اش قائم مقام و بعضی از زمامداران به لزوم اخذ مدنیت جدید غرب معطوف شد. از این رو، عباس میرزا و قائم مقام را باید از پیش کسوتان مکتب اصلاح و ترقی ایران به شمار آورد (آدمیت، ۱۳۴۰: ۲۳).

### کانون‌های تغذیه فکری

از جمله کانون‌های تغذیه فکری امیرکبیر، ابتدا می‌توانیم از شهر تبریز نام ببریم. تبریز به عنوان یکی از مهم‌ترین شهرهای ایران و مرکز خطه آذربایجان، به علت موقعیت خاصش، نقش مهمی در طول تاریخ، و به خصوص در دوران قاجار، به عهده داشت. در دوره فتحعلی شاه قاجار با تأسیس دارالسلطنه تبریز، عباس میرزا ولیعهد دوازده ساله کارهای دارالسلطنه را با صلاح دید قائم مقام حل و فصل می‌کرد.

تبریز، به علت موقعیت جغرافیایی‌اش، و توجهات عباس میرزا و صدر اعظم فرزانه‌اش قائم مقام، مرکز بازرگانی ایران و روسیه و عثمانی شد. گسترش بازرگانی، افزایش ارتباط، قرار گرفتن در مسیر تجارت، و ارتباط نزدیکش با کانون‌های آگاهی، این شهر را به کانون تجدد خواهی و فعالیت‌های سیاسی - نظامی ایران تبدیل نمود (طاهرزاده بهزاد، ۱۳۳۲: ۳؛ طباطبایی، ۱۳۸۵: ۲۲۷-۲۲۶، پاولویچ، ۱۳۵۷: ۱۳ و ۲۷؛ آراین پور، ۱۳۷۲: ۵).

این شهر، با ایجاد کارخانه‌های توپ‌ریزی، تفنگ سازی، باروت سازی، نخ ریزی و پشم‌بافی، و اعزام اولین گروه دانشجویان به فرنگ برای تحصیل در رشته‌های حکمت، صنعت و نقشه برداری، چاپ و نشر اولین روزنامه فارسی، انتشار و ترجمه کتاب‌ها، به

کانون تحول ایران مبدل گردید. دانشجویان اعزامی و متفکران، به تدریج، با افکار و آثار پیش‌روان فکری غرب، به خصوص در زمینه‌های سیاسی و اجتماعی، آشنا شدند و به گسترش آگاهی‌های مردم و در نهایت به استقرار بیشتر مشروطه در ایران یاری رساندند. (ترابی، ۱۳۵۷: ۲۴).

افرادی نظیر میرزا صالح شیرازی، که جزو اولین گروه دانشجویان اعزامی به فرنگ بود، نخست مفتون لیبرالیسم انگلستان و سپس مجذوب افکار اجتماعی متفکران انقلاب فرانسه شد و در برگشت به ایران در برابر خودکامگی قاجارها، و تاریک‌اندیشی گذشته گرایان مبارزه نمود. زین‌العابدین مراغه‌ای نیز با نوشتن مقاله‌هایی در روزنامه‌های حبل‌المتین و شمس، فقر و درماندگی مادی و معنوی ملت، نفوذ استعمارگران، زبونی و انحطاط کشور و دشواری‌های فکری و فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی و سیاسی جامعه را با زبان ساده مورد بحث قرار داد. (همان: ۱۵-۱۴).

بدین گونه، تبریز به عنوان شهر دارالسلطنه و قرار گرفتنش در مسیر تجار و ارتباطش با روسیه و عثمانی و غرب، و اقامت ولیعهد شایسته با مرییان فرهیخته، نظیر قائم مقام‌ها، یکی از کانون‌های تحول ایران آن روز گردید. امیرکبیر نیز تجربه و آگاهی اولیه‌اش را در این شهر و در زیر نظر مردان آگاه و با تجربه و مأموران غربی ساکن این محیط به دست آورد. (قاسمی پویا، ۱۳۷۷: ۹۶).

### زندگی امیرکبیر

امیرکبیر فرزند کربلایی محمد قربان هزاوه‌ای از خدمتگزاران قائم مقام بود که در دستگاه او در سمت‌های خدمتگزاری، ناظر آشپزخانه و قاپوچی (دربان) کار می‌کرد. تربیت و آگاهی‌های اولیه‌اش در مکتب دشوار جنگ‌های ایران و روس در چهارچوب فعالیت‌های نظامی تحت نظر قائم مقام و عباس میرزا، او را جزو مردان با اراده و روشن بین بار آورد (طبری، ۱۳۶۰: ۷۹). وی، به هنگام خدمت در دستگاه قائم مقام، گزارش امور آذربایجان را به عباس میرزا و قائم مقام می‌نوشت.

او در عین حال امور محرمانه دستگاه را نیز عهده‌دار بود. کاردانی و راست کرداری، موجب ترقی او گردید، و سلسله مراتب ترقی را در دستگاه قائم مقام طی نمود (اقبال آشتیانی، همان: ۷-۸). از کسانی که مقتضیات جامعه ایران زمان قاجار را، پیش از دیگران، دریافته بودند، قائم مقام بزرگ و فرزند خلف او میرزا ابوالقاسم، بود. امیرکبیر نیز پرورش یافته دستگاه همین افراد و تعقیب کننده اصلاحات آنان به صورت جدی‌تر و با عمق بیشتر بود. گرچه او نیز به مبانی سنتی و حکومت پادشاهی اعتقاد داشت، و قصدش ایجاد تحول بنیادی در جهت سیاسی و اقتصادی زمان خود نبود، ولی اقدامات او راه‌گشای دگرگونی‌های جامعه‌ای بود که می‌بایستی بیش از پیش وارد میدان می‌شد. (طبری، همان: ۷۹).

در شکل‌گیری اندیشه‌های جدید امیرکبیر قبل از صدارتش، مسافرت او را به روسیه به همراه خسرو میرزا برای عذرخواهی از قتل گریبایدوف سفیر روسیه باید یادآور شد. امیر به همراه هیئت اعزامی از دیدنی‌های آن کشور بازدید نمود. پیشرفت‌های روسیه، اعضای هیئت، به خصوص امیر، را تحت تأثیر قرار داد. (آدمیت، ۱۳۵۵: ۱۶۶). همچنین، مسافرت‌های بعدی او و مشاهده پاره‌ای از اصلاحات در قفقاز، سرزمین تازه از دست رفته ایران، امیرکبیر را در شناخت علم سیاست و نظام فرهنگ یاری رسانید. (قاسمی پویا، همان: ۱۳۲-۱۳۱).

به علاوه، وی برای شناسایی توان نظامی و به سبب استحقاق لازم که دستگاه در او تشخیص داده بود، به مأموریت عثمانی هم فرستاده شد، تا بتواند ضمن انجام مأموریت خود، از ظاهر و باطن کارهای انجام شده در عثمانی آگاهی یابد و به جمع‌آوری اطلاعات مبادرت نماید. (فراهانی، بی تا: ۱۰ و ۹۹). مأموریت امیرکبیر به عثمانی مصادف با صدارت رشیدپاشا معمار تنظیمات عثمانی بود. امیرکبیر با آشنایی به زبان ترکی در مدت اقامتش در تبریز و سفارت چهارساله‌اش در عثمانی، با رشیدپاشا معمار تنظیمات عثمانی به مکاتبه پرداخت و از نزدیک با تحولات عثمانی آشنا شد (امامی‌خویی، ۱۳۸۲: ۲۶)؛ به طوری که فکر ایجاد دارالفنون در ایران به وسیله امیر پس از مسافرت‌هایش به

روسیه و بازدید از مدارس فنی و صنعتی و نظامی، و ایجاد دارالفنون عثمانی، در احساس نیاز به مدارس و علوم جدید نقش داشت (اقبال آشتیانی، همان: ۱۵۷-۱۵۶؛ آجودانی، ۱۳۸۲: ۲۵۹).

طرح‌های امیرکبیر در زمینه آموزش و فن‌آوری اروپایی در عثمانی و مصر ریشه داشت. او آگاه بود که ایران در نیاز به اصلاح و پذیرش پیشرفت‌های فنی اروپایی تنها نیست. این واقعیت که دیگر کشورهای مسلمان در حال انجام اقدامات مشابهی بودند، سنت و سابقه ایجاد می‌کرد. بی‌شک، مشروعیت چنین اقداماتی در پذیرش ضرورت اصلاحات نقش داشت. (طباطبایی، همان: ۴۸۰).

امیرکبیر از ستايندگان محمدعلی پاشا حکمران مصر بود و مانند او از پایگاه خود در قشون و از طریق رسیدگی و آماده سازیش برای پیشبرد مقاصدش بهره می‌جست. (امانت، ۱۳۸۳: ۱۴۹؛ گیلاشاه، ۱۳۴۰: ۳۵-۳۲؛ قائم مقامی، ۱۳۴۸: ۳۰۲).

امیر از تجارت آزاد و محصولات داخلی حمایت می‌کرد و می‌خواست کالاهای خارجی را کاهش دهد و بر کیفیت کالاهای داخلی بیفزاید، به طوری که در شورش پادگان تهران برای استعفای امیر، علما و بازاریان از امیر حمایت کردند. (کمالی، ۱۳۸۱: ۹۹).

امیر در حیات سیاسی خود هیچ عهدنامه تجاری با دول خارجی منعقد نکرد. تنها عهدنامه دوستی کشتی‌رانی با امریکا را در سال ۱۸۵۱م منعقد نمود، و یک ماه بعد معزول و به تحریک انگلیس، میرزا آقاخان نوری آن را باطل نمود. (آنم، ۱۳۳۷: ۵۷-۵۶). او تنها مرد مجرب و مقتدری بود که بند و بست خارجی نداشت و به سفارتخانه‌های بیگانه وابسته نبود (تیموری، ۱۳۳۲: ۱۸). شجاعت، شهامت، راستی، درستی، دوربینی و مال‌اندیشی سیاسی، باعث شد که مورخان او را یک مرد وطن پرست و دانا برای پیشبرد نهضت مشروطه به‌شمار آورند. (براون، ۱۳۳۷: ۲۰)؛ به‌طوری که وزیر مختار روسیه امیر را یک مرد حقیقت دوست، عادل و با منطق و دلیل شناخته بود، و از اینکه می‌دید چنین مردی معزول شده و جای او را شخصی مانند میرزا آقا

خان نوری، عامل انگلستان، اشغال نموده، تأسف می‌خورد. (قاضی‌ها، ۱۳۸۰:۱۳). به طور کلی می‌توان گفت بیشتر اقدامات امیر از دوره منصب نظامی، تا پایان صدارت و انفصال از خدمت، و در تلاش برای برقراری قانون اساسی، برگرفته از تجربه رشید پاشا معمار تنظیمات عثمانی بود و در این راه، با اعلام خط شریف گلخانه، و تأمین تساوی و آزادی و امنیت جان و مال تمام افراد را بدون توجه به مذهب و نژاد و موقعیت و مقام، در مقابل قانون به طور یکسان، از وی تأسی نمود. (آدمیت، ۱۳۵۲:۱۳).

متأسفانه، دگرگونی‌های آغاز شده در این دو کشور مسلمان همسایه، به علت نبود شرایط اجتماعی و عدم توانایی اصلاح‌گران در دگرگونی و تحول بنیادی جامعه، به سرنوشت غم‌انگیز مشابهی دچار شدند.





### کتابنامه

۱. آدمیت، فریدون. ۱۳۴۰، *فکر آزادی و مقدمه نهضت مشروطیت*، تهران، سخن.
۲. \_\_\_\_\_، ۱۳۵۲. *مقالات تاریخی*، تهران، شبگیر.
۳. \_\_\_\_\_، ۱۳۵۵، *امیرکبیر*، تهران، خوارزمی.
۴. آریان‌پور، یحیی. ۱۳۷۲، *از صبا تا نیما*، ج ۱، تهران، زوار.
۵. آنام، بهروز. ۱۳۳۷، *تاریخ پویا*، تهران، علم.
۶. اقبال آشتیانی، عباس. ۱۳۵۵، *میرزا تقی خان امیرکبیر*، به اهتمام ایرج افشار، چ ۲، تهران، طوس.
۷. امامی خویی، محمدتقی. ۱۳۸۲، *تأثیر مکتب استانبول بر تکوین فکری روشنفکران ایرانی*، در نشریه گزارش و گفتگو، ش ۷، آذر و دی.
۸. امانت، عباس. ۱۳۸۳، *قبله عالم، ناصرالدین شاه قاجار*، ترجمه حسن کامشاد، تهران، کارنامه.
۹. براون، ادوارد. ۱۳۳۷، *تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران در دوره مشروطیت*، تهران، معرفت.
۱۰. پاولویچ، ۱۳۵۷، *سه مقاله درباره انقلاب مشروطیت ایران*، تهران، جیبی.
۱۱. تقی‌زاده، سیدحسن. ۱۳۳۶ *زمینه انقلاب مشروطیت ایران سه خطابه*، چ ۲، تهران، گام.
۱۲. ترابی، علی‌اکبر. ۱۳۵۷، *جامعه‌شناسی در ایران امروز*، تبریز، آذر آبادگان.
۱۳. تیموری، ابراهیم. ۱۳۳۲، *عصر بی‌خبری یا تاریخ امتیازات در ایران*، تهران، اقبال.
۱۴. مؤمنی، باقر. *ایران در آستانه انقلاب مشروطیت*، تهران، شباهنگ.
۱۵. طاهرزاده بهزاد، کریم. ۱۳۳۲، *قیام تبریز در انقلاب مشروطیت ایران*، تهران، اقبال.
۱۶. طباطبایی، سید جواد. ۱۳۸۵، *مکتب تبریز و مبانی تجدد خواهی*، ج ۲، تهران، ستوده.
۱۷. طبری، احسان. ۱۳۶۰، *ایران در در دو سده واپسین*، تهران، توده.
۱۸. قاسمی پویا، اقبال. ۱۳۷۷، *مدارس جدید در دوره قاجاریه*، بانیان و پیشروان، ج ۱، تهران، نشر دانشگاهی.
۱۹. قائم‌مقام‌فراهانی، میرزا ابوالقاسم. *منشآت*، به کوشش سید بدرالدین یغمایی، تهران، شرق.
۲۰. قاضی‌ها، فاطمه. ۱۳۸۰، *اسناد روابط ایران و روسیه از دوره ناصرالدین شاه تا سقوط قاجاریه*، تهران، وزارت امور خارجه.

۲۱. قائم مقامی، جهانگیر. ۱۳۴۸، یکصد و پنجاه سند تاریخی از جلایریان تا پهلوی، تهران، ارتش.

۲۲. کمالی، مسعود. ۱۳۸۱، جامعه مدنی دولت و نوسازی در ایران معاصر، ترجمه کمال پولادی، تهران، پژوهشگاه هنر و ادبیات.

۲۳. گیلاشاه، امیر. ۱۳۴۰، یکصد و پنجاه سال سلطنت در ایران، تهران، مسعود سعد.

